

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۱۸ / سال یازدهم / دی ماه ۱۴۰۱ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



ما را به هماءردی نخوانید که سخت پشیمان خواهید شد!



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۱۸ /
سال یازدهم / دی ماه ۱۴۰۱ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۱۱

مبارزه کارگران ارکان ثالث نفت با مافیا! ص ۱۸

بکشنیه های اعتراضی همچنان ادامه دارد! ص ۲۱

چرا دانمارک شادترین کشور جهان است؟ ص ۲۶

رخداد، کوششی جمعی در زمینه ی سیاسی ص ۲۷

وزیر اقتصاد علیه بازنشستن! ص ۲۸

مصاحبه مازیار گیلانی‌نژاد با خبرگزاری کارگری ایلنا ص ۲۹

مافیای واردات بر علیه تولید! ص ۳۰

خط فقر و حداقل حقوق کارگران! ص ۳۱

نتایج عمل به سیاست های نولیبرالیسم! ص ۳۳

ونسان ونگوک ص ۳۴

پرویز شیریاری ص ۳۵

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی ص ۳۶

شهرت ظرفیت می خواهد! ص ۳۹

مؤسس اولین آسایشگاه خیریه سالمندان ص ۴۱

او پرستار واقعی است! ص ۴۳

به معلمین میهنم! به آموزگارانم! ص ۴۴

و آن نیم روز بایانی ص ۴۵

چرا بخشی از کارگران به مبارزه نمی پیوندند؟؟ ص ۴۶

تفرقه جامعه را عقب مانده نگه می دارد ص ۴۷

حیات تحریریه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس

=کانال رسمی سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

مراجعه کنید



پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

حق کارگران با تهدید حل نمی شود!



بعد از آنکه کارگران رسمی نفت اعلام تجمع برای روز ۲۷ دیماه را اعلام کردند متأسفانه نیروهای امنیتی و حراست به دنبال تهدید و حتا دستگیری کارگران فعال برآمدند. این در حالی است که شبکه نفت و گاز در این روزهای سرد زمستان با چالش روبرو است و می بایست از همه توان نیروهای کارآمد برای رفع مشکل گاز رسانی استفاده نمود و مدیران جامعه برای این معضل گرد هم آیند که متأسفانه شاهد این برخورد های غیر عقلانی از سوی مدیران شرکت نفتی امنیتی هستیم.

ما ضمن حمایت از این برادران و محکوم کردن رفتار غیرقانونی مجلس و دولت در برآورده نکردن خواسته های این برادران به ویژه در خصوص اجرایی نشدن ماده ۱۰ ، هشدار می دهیم هرگونه برخوردهای قهرآمیز با این عزیزان را بر نمی تابیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۶ دیماه ۱۴۰۱

ما را به هم‌وردی نخوانید!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، تجمع امروز (سه شنبه ۲۷ دیماه) کارکنان رسمی نفت در خصوص خواسته های خود که بیش از دو سال است در مجلس دست به دست می شود در عسلویه، پالایش گاز فجر، واحدهای عملیاتی سیری، پایانه های نفتی خارک، پالایشگاه آبادان صورت گرفت و در بیانیه پایانی خواستار موارد زیر شدند:

به خواسته های ما احترام بگذارید!

- ۱-انجام بی چون و چرای، ماده ۱۰ قانون اختیارات و وظایف وزارت نفت،
- ۲-بهبود جدول بدو استخدام ماده یاد شده به نحوی که همه کارکنان با هر شرایطی با توجه به تورم های کنونی از آن سود ببرند،
- ۳ -پرداخت یک پی ده ساله برآمده از دیرکرد در انجام ماده ده طبق قانون،
- ۴ -اصلاح و بهبود وضعیت نابسامان خدمات درمانی وزارت نفت،

۵ - پرداخت بی کم و کاست پاداش پایان بازنشستگی همچون گذشته در وزارت نفت،

۶ - رسیدگی درخور و شایسته بازنشستگان صنعت نفت و بهبود زندگی این بخش از بزرگان صنعت نفت،

۷ - تعدیل بهنگام مدرک کارکنان و آسان نمودن چگونگی تعدیل،

۸ - ساماندهی سمت های کارکنان،

۹ - رسیدگی به وضعیت نابسامان و نگران کننده صندوق بازنشستگی نفت و اصلاح اساسنامه آن

برگزاری موفقیت آمیز این تجمع های اعتراضی هشدارى بود تا مقام های تصمیم گیرنده شرکت ملی نفت ایران و دولت حاضر بدانند هنوز هم زحمتکشان حرف اول را می زنند. برگزاری تجمع های اعتراضی گذشته اتحاد و مصمم بودن کارگران و کارمندان رسمی صنعت نفت و همچنین انتشار بیانیه نهایی بی پیرایه و صریح آن بار دیگر آماده بودن کارگران نفت را نشان می دهد .

همانطور که تجربه کارگران پیمانکاری پروژه های نفت و گاز و نیروگاهی در سال های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ نشان داد، کاسه صبر کارگران اگر لبریز شود باید انتظار عکس العمل های یکپارچه و کارآیی را داشت . سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران همچنین معتقد است که ارگان های تصمیم گیرنده مسؤل می بایست بیانیه کارگران و کارمندان رسمی صنایع نفت را جدی بگیرند: نباید اخطار کارگران و کارمندان رسمی صنعت نفت ، چه پروژه ای و یا رسمی را سرسری گرفت ” چون که سخت پشیمان خواهید شد“ .

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۷ دیماه ۱۴۰۱

بد فرجامی خشونت!

در پی اعدام ۴ جوان که در تظاهرات اعتراضی ماههای اخیر دستگیر شده بودند و همچنین صدور حکم اعدام ۳ جوان دیگر، نتیجه ورشکستگی سیاست های ۴۰ ساله اخیر است. چه کشته شده ها و چه اعدامی ها همگی در سالهای بعد از انقلاب و در دهه هفتاد به بعد متولد شده اند و همگی بزرگ شده این سیستم حکمرانی هستند. اینکه حاکمیت چه کرده که جوانان از هر دو طرف دست به خشونت زده اند و حاصل چه عملکرد و سیاستی است جای تعمق دارد. بیش از ۴۰ سال است که از همه منابر و مناصب معنویت حرف اول بوده و جوانان در یک چنین فضایی آموزش دیده اند. از ابتدای تولد از طریق رسانه هایی چون صدا و سیما و چه در مدارس مورد تبلیغ روش خاص دیکته شده از سوی حاکمیت بوده اند. اینکه چگونه در این فضای منبعث از آموزه های تربیتی جوانی تفنگ بدست می گیرد و به خود حق می دهد دیگری را هدف گرفته و بکشد و متقابلاً جوان دیگر با چاقو و یا مشت و لگد به جان او بیفتد، نباید پرسید این خشونت از کجا نشأت می گیرد و به نفع چه کسانی است؟ بی تردید به نفع جامعه نیست. ما می پرسیم چرا حاکمیت نمی تواند و یا نمی خواهد با جوانان خود به گفتگو بنشیند و آنان را قانع کند؟ کجای کار می لنگد؟

آنچه در این ۴۰ و اندی سال در جامعه اتفاق افتاده و می بایست اتفاق می افتاد این است که نه عدالت اجرا شده و نه توزیع ثروت و نه فاصله طبقاتی از بین رفته است، بلکه در این سالها جامعه شاهد برآمدن قشری سودجو و متظاهر، فاسد، که از هر راهی برای ناعادلانه کردن روابط اجتماعی به نفع خود سود می جوید، بهره برده است. هیچکدام از خواسته های انقلابی که زحمتکشان گوشت قربانی آن بوده اند برآورده نشده است.

۵ هزار آقازاده کلاش در آمریکا و کانادا و همین تعداد در اروپا از چه منبعی به این ثروت افسانه ای رسیده اند که فیلم های عیاشی خود را در فضای مجازی به نمایش می گذارند و به ریش جوانان دیگر می خندند؟ چه اراده آهنینی از این مافیای پلید حمایت می کند که این چنین آذانه ثروت های جامعه را بازپچه خود قرار داده اند؟ چه سیاستی و با دستان پلید چه کسانی یک سوم جامعه را به زیر

خط فقر کشانده است که انتظار شورش و اعتراض را بر آنان نمی بخشد؟ هرزه های سیاسی برآمده از نظام آفازاده پروری که در بخش فرهنگی هم لانه کرده اند به خود اجازه می دهند تا با ریشخند آخرین گفتار احساسی یک جوان اعدامی «بابا به مامان نگو» انحطاط این شیوه حکمرانی را به نمایش بگذارند.

چه کشته شده ها و چه اعدامی ها در زیر خط فقر دست و پا می زدند یکی کارگر مرغداری و دیگر دستفروش و آن یکی کارگر ساختمانی که متاسفانه روبه روی یکدیگر قرار گرفته و همدیگر را می کشند و آنکه مسبب سیاست فقیر کردن و عصبانی نمودن مردم است، آسوده به کارهای مافیایی خود مشغول.

چرا وقتی حقی ضایع می شود نباید اعتراض کرد؟ و نباید از حقوق قانونی خود برخوردار شد؟ چرا محکومین بدون وکیل و بدون رعایت حقوق زندانی محکوم می شوند و حتا از آخرین دیدار خود با خانواده نیز محروم می گردند؟ دستپاچگی برای اعدام این جوانان برای چیست؟

اعدامی ها محصول سیاست های اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی سیستم موجود هستند و تا این سیستم تغییر نیابد همچنان احکام اعدام صادر می گردد. اعدام این جوانان نشانگر پایان اینگونه حکمرانی است و در حقیقت اعدام سیاست های ناعادلانه ای است که بر جامعه حاکم شده است. فرزندان ایران زمین را آزاد کنید و به این خسونت نقطه پایان بگذارید.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی/ بازنشستگان

فلزکارمکانیک/ بازنشستگان صنعت چاپ/ بازنشستگان

شهاب خودرو/ بازنشستگان مستقل رامهرمز/ بازنشستگان

مستقل قزوین/ بازنشستگان مستقل بابل

وزارت کار نماد بی مسوولیتی کامل!



در تاریخ ۲۰ دیماه وزیر کار طی سخنانی منتشره در خبرگزاری ایلنا اعلام کرد: «در افق ۱۴۰۵ منابع صندوق تامین اجتماعی و کشوری، کسری ۷۵۹ همت (۷۵۹ هزار میلیارد تومان) خواهد داشت. در سال ۱۴۰۰ ورودی به صندوق ۲۵۳ همت و مصارف ۳۷۵ همت بوده است» که به معنای ورشکستگی کامل صندوق تامین اجتماعی خواهد بود. آنچه به عنوان نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای شاهد آن هستم این است که وزارت کار و به تبع آن سازمان تامین اجتماعی به عمد خواهان ورشکسته شدن صندوق درمان و خود سازمان تامین اجتماعی هستند.

اینجانب مازیار گیلانی نژاد در تاریخ ۹ خرداد طی نامه ای به شماره دبیرخانه سازمان تامین اجتماعی 81542646 به رییس سازمان تامین اجتماعی اعلام کردم: «در جلسه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ با مدیر منطقه ویژه اقتصادی و انرژی پارس جنوبی با حضور آقای حاجیان بازرس منطقه ویژه و یک شرکت پیمانکاری مشخص شد که پیمانکاران در زمان تنظیم لیست بیمه شغل کارگران متخصص را کارگر ساده نوشته و حق بیمه یک کارگر ساده را واریز می کنند.

در حال حاضر کارگران متخصص اعم از جوشکار، فیتزر، داربست بند، ... حقوق ماهانه ای بیش از ۲۰ میلیون تومان دریافت می کنند که حق بیمه آنان می بایست بطور متوسط بیشتر از ۵ میلیون تومان به سازمان تامین اجتماعی واریز گردد، که واریز نمی شود. در سایت ۱ پتروشیمی بوشهر فقط ۵ هزار کارگر کار می کنند که ماهیانه می توانند حداقل ۳۰ میلیارد تومان برای سازمان ورودی داشته باشند. اگر بازرسان شما کمی سختگیرانه تر این موضوع را بررسی کنند بی تردید سازمان در سراسر کشور دریافتی خوبی خواهد داشت که از ورشکستگی نیز رها خواهد شد»

در ضمیمه نامه نام تعدادی از پیمانکاران متخلف را نام بردم. با توجه به اینکه هیچ اقدام مثبتی صورت نگرفت مجدداً در تاریخ ۱۱ مرداد نامه ای به شماره دبیرخانه سازمان تامین اجتماعی ۸۳۸۰۲۷۱۰ ارسال کرده و از اداره کل وصول مطالبات حق بیمه سازمان تامین اجتماعی خواستم موضوع را بطور جد تعقیب کنند.

امروز ۲۴ دیماه هنوز هم پیمانکاران به تخلفات بیمه ای خود در سراسر منطقه عسلویه و ایران ادامه داده و حق بیمه کارگران را دزدیده و سازمان تامین اجتماعی هم ناظر این دزدی از کارگران و سازمان تامین اجتماعی است. اینکه وزیر کار و بازرسانش و بازرسان سازمان تامین اجتماعی در وصول حق بیمه کوتاهی عمدی می کنند شکی نیست و بی تردید درآمدهای سازمان کاهش می یابد و با این برنامه باید صندوق ورشکسته شود و تقصیر آن متوجه شخص وزیران کار و روسای سازمان تامین اجتماعی و بازرسانشان است.

اگر سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار و بازرسان شان وظایف خود را درست انجام دهند و هر کارگری که مشغول به کار است را در لیست بیمه گنجانده و کارفرمایش را جریمه کنند بی تردید درآمدهای سازمان بیش از ۲ برابر مخارج آن خواهد شد.

مازیار گیلانی نژاد ۲۴ دیماه ۱۴۰۱

بدرود رفیق تلاشگر، بدرود!

مهدی صادقی هفشجانی کارگر جوشکار روز پنجشنبه به دلیل سودجویی کارفرما طی حادثه ای همکاران خود را تنها گذاشت.

مهدی صادقی یکی از رهبران فعال کمپین ۱۰/۲۰ بود که برای اجرایی شدن مقررات کمپین در اعتصاب سال گذشته سر از پا نمی شناخت و جان بر کف برای افزایش حقوق می کوشید. زحمات او و سایر رهبران کمپین ۱۰/۲۰ باعث شد تا کارگران به قدرت خود پی برده چون تنی واحد برای بهبودی وضعیت خود بکوشند. اگر امروز کارگران جوشکار برای ۲۰ روز کار ۴۵ میلیون تومان دستمزد می گیرند باید قدردان این رهبران کارگری باشند.

پیکر مهدی صادقی روز پنجشنبه به شهرکرد انتقال پیدا کرد و امروز در زادگاهش هفشجان آرام گرفت. خیل عظیم بدرقه کنندگان، نشان از شخصیت والای کارگری و محبوبیتش در میان کارگران بود.

مهدی جان سودجویی کارفرمایان را به زودی خاتمه خواهیم داد تا همسرانی داغدار و فرزندان یتیم دیگر برجا نمانند. تسلیت ما به خانواده همیشه سربلند صادقی کمترین التیام است. کوشش های تو از یاد کارگران جوشکار پروژه ای هرگز فراموش نخواهد شد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۲۵ آذر ۱۴۰۱

ایجاد ایمنی در کارگاهها بخشی از دستمزد کارگران است که کارفرمایان از پرداخت آن خودداری می کنند و بازرسین اداره کار هم با چشم بستن بر آن در قتل کارگران شریکند.

خیانتکاران را مجازات خواهیم کرد!



طبق گزارشی که قبلن در مورد جان باختن سعید صادقی از رهبران کمپین ۱۰/۲۰ جوشکاران هفتشجان منتشر کردیم اطلاعات جدیدی در مورد این عزیز از دست رفته به دستمان رسید.

سعید صادقی در یک شرکت پیمانکاری که زیر مجموعه شرکت نیرو گستر است در خط لوله ایرانشهر کار می کرد. در روز حادثه نه نوار زردی محل جابجایی لوله ها را هشدار باش داده بود و نه افسران ایمنی مربوطه در محل کار خود بودند. سعید صادقی که به محل کار خود می رفته است یک لوله از سابیون رها شده به روی پاهایش می افتد و بعد از ۴۵ دقیقه دومین لوله از ارتفاع رها شده بر سرش آوار می گردد. متأسفانه در این ۴۵ دقیقه هیچکسی در محل نبوده تا به فریادهای کمک او پاسخ دهد. در این حادثه کارفرما شرکت نیرو گستر مقصر اصلی است که دستگاه سابیون را که مشکل فنی داشته به کار گرفته است. مقصر دوم راننده که با «واکی تاکی» محل را بررسی نکرده و مقصر سوم افسران ایمنی هستند که به وظایف خود عمل ننموده و در محل کار خود غیبت داشته اند و جابجایی لوله ها به راننده محول کرده اند.

کارفرما پس از حادثه دستگاه سایبون خراب را از محل به نزدیکترین روستا برده و مخفی می کند و فردای حادثه برای پر کردن فرم حادثه کار با بازرسین وزارت کار به محل حادثه می آیند دستگاه سایبون بدون نقص را در محل می بینند و رفیق جان باخته ما را مقصر اعلام می کنند. طبق اعلام دوستان حاضر در محل، راننده سایبون با گرفتن ۵ میلیون فعلن مخفی است. مسوولین برای آنکه حادثه را ماست مالی کنند سعید صادقی را شهید اعلام کرده اند.

سعید صادقی در چند سال اخیر بارها رتبه اول جوشکاری در ایران را به خود اختصاص داده بود و کسی نبود که قوانین محیط کار را نداند.

آنچه برای سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران مهم است این موضوع است که چرا این حادثه کار توسط کارگران پوشش خبری داده نشده است؟ چرا کارگران همکارش اجازه داده اند یک چنین برگ حادثه خیانت باری نوشته شود؟ چرا دست به اعتراض و حتا سوگواری نزده اند؟ این رسم همه کارگاههای کارگری است که اگر کارگری حتا به مرگ طبیعی می میرد برایش مراسم می گیرند چه برسد به یک چنین حادثه ای آن هم برای یکی از رهبران کمپین ۱۰/۲۰. متأسفانه رفقای ما در هفشجان هم برخورد مناسبی با این حادثه نکردند که مایه تعجب است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران اعلام می کند که از خون سعید صادقی چشم پوشی نکرده تا معلوم شدن ابعاد قضیه، پیگیری های لازم را خواهد کرد و مقصرین را توسط کارگران مجازات خواهد نمود. تا درس عبرتی شود برای خیانتکاران.

سندیکاهای کارگری حافظ جان و معیشت کارگران هستند به همین دلیل مورد سرکوب قرار می گیرند. با وجود سندیکاهای کارگری کارفرمایان سودجو و دولت های ضد کارگر احساس ناامنی می کنند.

به سندیکاهای کارگری بپیوندیم.

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



۱- کرونا و مدیران ذوب آهنی!



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه هنوز کرونا در ایران و جهان ریشه کن نشده است و همه دستگاهها می بایست آمادگی لازم برای سویه جدید را از قبل داشته باشند اما مدیریت ذوب آهن با اطلاع از اینکه یک ماهی از رشد بیماری کرونا در ایران خبر دارد هنوز در انبارهایش ماسک و ضد عفونی کننده وجود ندارد. این تعلل ها نه فقط در موارد بهداشتی بلکه در موارد ایمنی هم وجود دارد از جمله تهیه ماسک و لباس و دستکش های مناسب برای آتشکارهاست.

باید کرونا به کشتار کارگران بپردازد تا مدیریت به فکر تهیه بيفتد. این گوشه کوچکی از مدیریت بی عرضه ها در بزرگترین کارخانه ایران است.

۲- عیادت یا پیشگیری از حادثه!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در هفته های گذشته هیاتی از بخش مهندسی نت مکانیک ذوب آهن به عیادت ۲ تن از حادثه دیدگان این بخش رفتند که یکی ۳ سالی است بازنشسته و در خانه بستری است و دیگری به تازگی مورد عمل جراحی قرار گرفته است. علی عکاشه مونتازکار ارشد کارگاه اسکلت فلزی و آهنگری که به تازگی بر اثر جراحات وارده مورد عمل جراحی قرار گرفت. آنچه در کارخانه با عظمت ذوب آهن تعجب آور است رعایت نشدن ایمنی لازم و کافی برای کارگران می باشد. کارگرانی که با سخت کوشی خود توانسته اند تمامی سیاست های خرابکارانه مالی مدیریت های قبلی را جبران و ذوب آهن را به سودرسانی افسانه ای برسانند. در این کارخانه آمار حادثه دیدگان و به ویژه مرگ و میرها مشخص نیست و همچنین آماری از مبتلایان به سرطان بعد از بازنشستگی. در این کارخانه عریض و طویل و استراتژیک مرگ انسانها و معلولیت آنان اهمیت ندارد. سوال این است آیا نباید در این کارخانه بخشی برای آنالیز حوادث کاری وجود داشته باشد تا کمتر کارگران حادثه ببینند؟ آیا حق کارگران نیست که در فضایی امن تر کار کرده و با خیالی آسوده به پیری برسند نه با معلولیت و زمین گیری؟ بروز حوادث کاری بخشی از سیاست های سودورزانه نئولیبرالیسم است.

۳- بیمه های تکمیلی و سرگردانی کارگران!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، یکی از خواسته های قدیمی کارگران و بازنشستگان ذوب آهنی موضوع ارتقا بیمه تکمیلی دانا در راستای فراگیری مراکز درمانی بود. بیمه تکمیلی دانا با همه مراکز داندنیزشکی در اصفهان و شهرهای مجاور قرارداد ندارد و کارگران می بایست اول هزینه های داندنیزشکی را از جیب خود پرداخت کنند و سپس برگ هزینه ها را به بیمه دانا رسانده پس از مدتی طولانی هزینه های خود را دریافت کنند. با توجه به هزینه های سنگین داندنیزشکی و دستمزدهایی که حتا از پس مخارج زندگی بر نمی آید و کارگرانی که در معرض انواع صدمات در محل کار خود هستند می بایست به جای سرگردانی، از بیمه ای کارآمد و آسان برخوردار باشند نه اینکه سرگردان

کوچه و خیابان شوند. کارگران طی نامه ای به بخش اداری ذوب آهن درخواست کرده اند که نه تنها مراکز داندن پزشکی بیشتر گردد بلکه هزینه های ارسالی به این بیمه هرچه زودتر در حساب کارگران ریخته شود.



۱- رکوردها و بی حقوقی کارگران ایران خودرو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، آقای خطیبی مدیرعامل کارخانه به جای آنکه کیفیت محصولات ایران خودرو را بالا ببرد تمام تلاشش این است که آمار سالیانه تولید خودرو را امسال بشکند که تاکنون موفق بوده و تا آخر آذرماه ۴۶۰ هزار خودرو بی کیفیت روانه بازار نموده است. البته این کار میسر نمی شد مگر با استثمار کارگران و فشار کاری بی حد با اعلام کردن کار در روزهای جمعه. با آنکه فعالان کارگری با این موضوع مخالفت کرده و به مدیریت گفته اند که قول خود مبنی بر طبقه بندی مشاغل، روز جمعه تعطیل، افزایش حقوق ها را از یاد برده است. در حال حاضر کارگران ایران خودرویی با ۱۵ سال و بیشتر سابقه کار، ۱۲ میلیون تومان حقوق می گیرند و ماهانه ۶۰ ساعت اضافه کاری اجباری را هم تحمل می کنند تا دریافتی شان با ۴۰ ساعت اضافه کاری که با تلاش خود از مدیریت گرفته اند به ۲۲ میلیون برسند. مدیریت بعد از اعتصاب کارگران ایران خودرو در تبریز، قول داد دریافتی کارگران را اضافه کرده و طبقه بندی را نیز اجرایی کند. متأسفانه مدیریت برای آنکه کلاه بر سر کارگران بگذارد فقط مزایایی چون بن خواربار مناسب ها را (گوشت، برنج، روغن...) را فعلن

بطور هر ماهه به کارگران می دهد و مبلغ رکورد را به ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان افزایش داده است. خبرها حاکی از آن است که مدیریت قصد اجرای طبقه بندی مشاغل را ندارد، چرا که امسال ۲ هزار بازنشسته دارد و اگر قرار بر طبقه بندی باشد آن را برای سال آینده انجام خواهد داد. یعنی حق ۲ هزار کارگر بازنشسته را می خواهند پایمال کنند تا کارگران بازنشسته با حقوق کمتری بازنشسته شوند. این دغلکاری از یاد کارگران نخواهد رفت و نفرین دوزخیان را برای این مدیریت آرزومندند.

نظر سندیکا این است که به جای نفرین دوزخیان، کارگران باید همت کرده حق خود را مطالبه کنند.

۲- بیمه تکمیلی بلای جان کارگران ایران خودرو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بیمه تکمیلی پارسیان که برای کارگران ایران خودرو در نظر گرفته شده است با بسیاری از بیمارستان ها و پزشکان قرارداد ندارد و می بایست بیمار اول به بیمه پارسیان مراجعه کرده استعلام کند که پزشک مورد نظرش با بیمه پارسیان قرارداد دارد یا نه؟ و سپس به آن پزشک مراجعه کند. از طرف دیگر بیمه پارسیان در سامانه پیشتاز هنوز اعضای بیمه شده خود را بارگذاری نکرده که مشکلی بر مشکلات بیماران افزوده است. متأسفانه بخش اداری این بیمه هم با بیمه شده ها رفتار خوبی نداشته یا پاسخگوی مشکلات نبوده و یا با گذاشتن گوشی تلفن روی میز به صورت طولانی مدت بیمه را سرگردان و عصبانی می کنند. بیمه های تکمیلی چه در بخش شاغلین و چه در بخش بازنشستگان بلای جان بیماران گردیده اند و این فقط به این دلیل است که مافیای سودجو در بخش درمان از اجرای قانون الزام سازمان تامین اجتماعی جهت پوشش همه بیماری های بیمه شده ها با اعمال نفوذ، خودداری کرده و در این بخش ثروت های افسانه ای را به جیب زده و اینگونه با بیماران زحمتکش برخورد می کنند و نظارتی هم بر این تخلفات نیست. اعتراضات کارگران ایران خودرو در مورد این بیمه تکمیلی به مدیریت ارسال گردیده است.

خبرهایی از پروژه های نفت و گاز

۱- پیگیری های کارگران سکوهای نفتی ادامه دارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از اوایل دیماه و گفتگو با مهندس متجلی نماینده شرکت نفت با کارگران سکوهای نفتی امروز بابت «بک پی» ۴ ماه اول سال و مرداد ماه مبلغ ۵ میلیون به حساب کارگران ریخته شد. مابقی طلب های کارگران از جمله حق دریا نیز روز دوشنبه با قول داده شده ریخته خواهد شد. متأسفانه دو نماینده کارگران شرکت فاتح صنعت آقایان ندیم و افشاری مورد فشار قرار گرفته اند. آقای ندیم به سکوی دیگری منتقل شد و آقای افشار در خشکی نگه داشته شده است تا قراردش پایان یابد و بعد تمدید قرارداد نشود. کارگران بارها به آقای متجلی گفته اند باید قراردادهای لغو شود و قرارداد تازه نوشته شود تا بک پی و حق دریا و سایر مزایای دیگر به صورت به روز به آنان تعلق گیرد. چرا که اگر حادثه ای برای کارگری پیش آید و یا بازنشسته شود، کارگران با قرارداد قدیم مستمری دریافت خواهند کرد. یکی دیگر از احکافاتی که به کارگران می شود موضوع دوره های آموزشی است که در روزهای مرخصی به آنان تحمیل شده و هیچ وجهی بابت این روزها به آنان تعلق نمی گیرد.

۲- مرگ کارگران و سودجویی کارفرمایان ادامه دارد!

۲۴ آذر ماه ۲ کارگر شرکت پالایش و پخش فرآورده های نفتی پترو تات ماهان به دلیل گاز گرفتگی در مخزن حلال نفتی در بوبین زهرای قزوین جان باخته اند. این حادثه در حالی رخ داد که نشستی گازهای اسیدی در مخزن فوق عامل اصلی مرگ کارگران بود. بارها از سودجویی کارفرمایان در خصوص عدم رعایت استانداردهای ایمنی و چشم پوشی بخش نظارتی وزارت کار سخن گفته ایم. اینکه چرا کارفرمایان در خصوص هزینه نمودن برای ایمنی تعلل می کنند، مشخص است. «سود». اما اینکه چرا وزارت کار به وظایف خود عمل نمی کند و پشت قانون شکنی های مستمر کارفرمایان در آمده است، تعجب برانگیز است! از همه جالبتر اینکه در ۲۷ آذر ماه چنین حادثه ای را مردود شناخته و به خبرگزاری ایلنا تذکر می دهد. در حالیکه کارمندانش در صندلی های خود آرمیده

اند و بازرس کار به محل نمی فرستند. سندیکا‌های کارگری سرکوب می شوند تا این آدم‌کشی ها صورت گرفته و به یک پدیده عادی تبدیل شود. در سیستم سرمایه داری جان انسانها، ارزشی اندکی کمتر از یک آچار را دارد.

هیأت تحریریه پیام سندیکا

۳- مافیای نفت خواستار افزایش حقوق کارگران نیست!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مافیای پیمانکاری نیروی انسانی در حوزه نفت و گاز نمی خواهد از سودهای نجومی خود دست بردارد و با سردواندن کارگران و همدستی با وزارت کار معیشت کارگران را به بازی گرفته است. پیمانکاری های فاتح صنعت و افق جهان پارس که در سکوی نفتی فعال هستند و با اعتصاب کارگران مجبور به مذاکره با این کارگران گشتند پس از وعده های دروغین و بیکارسازی نمایندگان کارگران به هیچ قانونی تن نمی دهند. از ابتدای سال تاکنون «یک پی» و سنوات کارگران را پرداخت نکرده اند. ۳۸ درصد افزایش دستمزد سالانه را که وزارت کار مصوب نموده بود اجرایی نکردند و طبقه بندی را نیز به زباله دان انداخته اند. کارگران این شرکت ها که می بایست حداقل بین ۱۹ تا ۲۲ میلیون حقوق بگیرند کمتر از ۱۷ میلیون دریافتی دارند. نماینده وزارت نفت هم آقای مهندس متجلی بازیچه این مافیا گشته و وظیفه اصلی اش را انجام نمی دهد.

آیا عزای عمومی چاره ساز است؟

حادثه تلخ آتش گرفتن خودروی کارگران سردخانه بروجن در مورخه ۲۱ آذر و کشته شدن ۵ کارگر و وخامت حال ۳ کارگر دیگر، همه کارگران را در غم بی پناهی فرو برد. اعلام عزای عمومی در شهر بروجن آیا از حوادث بعدی در این خصوص جلوگیری خواهد کرد؟ آیا فرمانداری که اعلام عزای عمومی می کند، نباید به وظیفه حفظ جان شهروندان خود، ورود کرده و مقصران را تنبیه کند؟ فرماندار نباید به مدیران کارخانه ها اعلام کند که خودروهای سرویس کارگران باید استاندارد باشد؟! آیا از اداره کار محل پرسیده است که چگونه بازرسان کار وجود کپسولهای گاز در خودروها را نادیده می گیرند؟! هنوز از غم این کارگران

فارغ نشده ایم که سرویس کارگران پتوی لیلیان یزد در ۳۰ آذر ماه تصادف کرده و ۸ نفر مصدوم بجا می‌گذارد. تا وقتی سیستم مافیایی بر وزارت کار حکم فرما باشد باید چشم بستن بخش بازرسی وزارت کار را شاهد باشیم.

هیأت تحریریه پیام سندیکا

انتشار فصلنامه امید، نشریه بازنشستگان تامین اجتماعی

مید

شماره ۵

نشریه بازنشستگان متحد

پاییز ۱۴۰۱

فصلنامه امید، نشریه بازنشستگان مستقل و متحد (تهران، قزوین، رامهرمز، رشت، بابل) شماره ۱۵ پاییز ۱۴۰۱ بصورت تک برگي منتشر شد. در این شماره می‌خوانیم:

- ۱- ما و انتخابات قانون‌های بازنشستگی ص ۱ ۲- درمانی که قرار بود برای بیمه‌شدگان رایگان باشد ص ۱ ۳- راهکارهای بازنشستگان برای کسب حقوق خود ص ۲ ۴- وضعیت سازمان تامین اجتماعی و عدم پرداخت بدهی‌ها توسط دولت ص ۳ ۵- اهمیت تحرک بازنشستگان و سالمندان ص ۳ ۶- اعتراض به خصوصی‌سازی بانک رفاه کارگران ص ۴ ۷- شعر «مانده ایم» ص ۴

مبارزه کارگران ارکان ثالث نفت با مافیا!



با دستورات صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی از دهه هفتاد خصوصی سازی صنایع، کشاورزی، درمان، آموزش و در نهایت کاهش خدمات اجتماعی در دستور کار مافیای لانه کرده در دولت قرار گرفت. در صنعت نفت با آنکه قرار بود طبق ماده ۱۷ قانون خدمات کشوری فقط کارهای خدماتی (۱) به بخش خصوصی ارجاع شود اما با سواستفاده مافیا از صدر تا ذیل صنعت نفت در اختیار مافیای پیمانکاری قرار گرفت. در حال حاضر کارگران در شرکت نفت یا رسمی هستند (رکن اول) یا قراردادی هستند (رکن دوم) و یا پیمانکاری هستند رکن سوم یا ارکان ثالث می باشند.

با طرح خصوصی سازی فضا برای غارت منابع مالی دولتی و هم اجحاف به کارگران برای سودجویی و دور زدن قانون کار توسط مافیا آغاز به کار کرد. در بخش دولتی با اختلاس، گم کردن دکل های نفتی، بستن قراردادهای ننگین به نفع اجانب و بر ضد منافع ملی برای پورسانت بیشتر و در بخش کارگری با کم

کردن روزهای مرخصی و اعلام کار کردن این روزها، حذف پاداش ها و امتیازات و همچنین بالا کشیدن حق بیمه کارگران و کم دادن دستمزدها و اجرا نکردن طبقه بندی مشاغل تا مبادا حقوق بیشتری به سفره کارگران برود و از سودهای نجومی آنان کسر شود تا به ثروت های افسانه ای برسند. برای مثال ۱۴ روز کار ۱۴ روز مرخصی تبدیل به ۳۰ روز کار در ماه شد، حذف طبقه بندی مشاغل، حذف حق دریا و بدی آب و هوا، حذف هزینه رفت و آمد، نابود کردن بیمه درمان کارکنان نفت و حذف دستمزدهای مطابق با شغل مربوطه، رد کردن لیست بیمه کارگر متخصص با عنوان کارگر ساده و به جیب زدن تفاوت قیمت این بیمه ها و به جیب زدن صدها میلیارد تومان پول سازمان تامین اجتماعی و کارگران، اندکی از خیانت های مافیا به زحمتکشان است.

با مبارزات کارگران و به ویژه کارگران ارکان ثالث در تاریخ ۵ شهریور ۱۳۹۹ وزیر نفت وقت ابلاغ اجرای طبقه بندی مشاغل را برای نیروهای پیمانکاری صادر و اعلام نمود تا ۲۰ شهریور ۱۳۹۹ نتیجه آن باید گزارش شود. ضمن بر اساس بند «ب» بخشنامه ۸۱۷-۲۰/۲ به تاریخ ۱۴ اسفند سال ۱۳۹۸ خدمات بیمه تکمیلی درمان به مشمولین این بخشنامه با پرداخت ۸۰ درصد آن توسط پیمانکاران و ۲۰ درصد توسط کارگران این اقدام هم پیگیری و گزارش آن به شرکت نفت ارسال شود.

کارگران ارکان ثالث شامل قرارداد معین (به شرط مشخص نبودن زمان استخدام) قرارداد موقت، پیمانکاری، حجم و فصل کاری اطلاق می گردد. مقرر شد با ماده ۱۰ که حفظ متخصصان نفت بود با رویکرد همسان سازی دستمزدهای کارکنان پیمانی، موقت صورت گیرد. آنچه در عمل اتفاق افتاد عدم اجرای طبقه بندی مشاغل و فراموش کردن ماده ۱۰ و همچنین بخشنامه صادره در خصوص درمان بود.

مافیای پیمانکاری نفت که پول قراردادهایش را به دلار و یا یوان می گیرد همین امروز با گران شدن دلار ۴۲ هزار تومانی فقط از سال گذشته تاکنون حداقل ۲۵ درصد سود از این طریق برده است چرا که تمامی هزینه هایش را به ویژه در بخش دستمزد کارگران را به ریال پرداخت می کند. از سوی دیگر این مافیا نمی

خواهد بخشی از سودهای افسانه‌ای که برای درمان کارگران باید بپردازد را پرداخت کند، دزدی از صندوق درمان نفت، کم دادن دستمزد های کارگران، چشم پوشی کند. لذا با دادن وعده های دروغین و فرسایشی کردن مذاکرات تلاش دارد تا جایی که امکان دارد حتایک روز هم شده دیرتر به خواسته های کارگران تن دهد.

اعتصابات سراسری کارگران پروژه ای که به کمپین معروف گشت در طی سالهای ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، باعث گردید دستمزد کارگران پروژه ای بطور متوسط به افزایش ۷ برابری برسد. افزایش دستمزد کارگران پروژه ای با اتحاد سراسری این کارگران به وقوع پیوست، کارگران رسمی، ارکان ثالث، کارکنان سکوی نفتی هم برای بهبود وضعیت دستمزدها و درمان خود از سال گذشته به تکاپو افتادند.

بی تردید مافیا از صحنه اجتماعی، سیاسی، و صنعتی به راحتی کنار نخواهد رفت و از هر وسیله ای از اخراج، دستگیری و خشونت دریغ نخواهد ورزید اما آنچه اتفاق خواهد افتاد پیروزی کارگران است که در این امر مصمم هستند. پایان شب سیه، سپید است.

مازیار گیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای ۸ دیماه ۱۴۰۱

ماده ۱۷- به دستگاههای اجرائی اجازه داده میشود از طریق مناقصه و با عقد قرارداد با شرکتها و مؤسسات غیردولتی براساس فعالیت مشخص، حجم کار معین، قیمت هر واحد کار و قیمت کل به طور شفاف و مشخص بخشی از خدمات موردنیاز خود را تأمین نمایند. در صورت عدم مراجعه متقاضیان، اجازه داده میشود با رعایت قانون برگزاری مناقصات و تأیید سازمان از طریق ترک تشریفات مناقصه اقدام گردد.

یکشنبه های اعتراضی همچنان ادامه دارد!

۱- به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۴ دیماه بازنشستگان تامین اجتماعی تهران در اعتراض به بی عرضه بودن هیات مدیره کانون تهران در مقابل آن تجمع کردند. این بازنشستگان در هوای سرد و بارانی دست نوشته هایی در دست داشتند که در آنها نوشته شده بود: «خطر ورشکسته سازی سازمان تامین اجتماعی جدی است» «هیات مدیره کانون ها به دلیل اینکه چند دوره است که در مسند کانون ها هستند قادر به جلوگیری از فقیرتر شدن بازنشستگان نیستند و باید بطور دست جمعی استعفا بدهند» «ما با دلار خرید می کنیم ولی با ریال به ما حقوق می دهند» «درمان رایگان و کامل طبق ماده ۵۴ (الزام درمان سازمان تامین اجتماعی) (و ماده ۲۹ قانون اساسی حق ماست، ما بیمه تکمیلی نمی خواهیم» «بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض»

بازرس کانون آقای رجبی به میان تجمع کنندگان آمده و تلاش داشت به تجمع خاتمه دهد که از او پرسیده شد: «در این دو ماه عملکرد کانون چه بوده؟ چرا فعالیت های خود را در سایت کانون نمی گذارید؟ از حقوق ما برداشته برای سایتی که به روز نیست هزینه می کنید که چه بشود؟» که ایشان از میان بازنشستگان به داخل کانون رفت که جمعی از معترضین به دفتر هیات مدیره رفتند. عیوضی، دهقان کیا، صادقی تلاش کردند با حرف های بی سروته معترضین را خاموش کنند که بازنشستگان گفتند: «آخر سال شده و هنوز ۲۵ درصد همسان سازی سال ۱۳۹۹ مانده، تورم امسال ۴۵۰ درصد است و دولت می خواهد با ۲۰ درصد موضوع مستمری ها را ماست مالی کند، بیمه تکمیلی ۱۲۰ درصد گران شده ولی هیچ خدماتی به ما داده نمی شود، بعد شما اینجا جلسه می گذارید که چه بشود؟» در پاسخ آقایان گفتند که: «از علی خدایی دعوت کرده ایم که در مورد افزایش حقوق ها جلسه ای با هم داشته باشیم، در مورد ۲۵ درصد همسان سازی هم سعی می کنیم تا آخر سال موضوع را اجرایی کنیم، در مورد بیمه تکمیلی هم قصور کرده ایم اما این دلیل نمی شود شما هر هفته در اینجا جمع شوید» بازنشستگان پاسخ دادند تا اجرا شدن خواسته ها هر هفته به خانه خودمان خواهیم آمد اگر شما ناراحت هستید استعفا بدهید بروید.



۲- به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۱۱ دیماه در هوای سرد تهران بیش از ۳۰ تن از بازنشستگان تهرانی در اعتراض به عملکرد هیات مدیره کانون بازنشستگان تهران در مقابل کانون تجمع کرده و خواستار پاسخگویی هیات مدیره نسبت به وظایف عمل نکرده خود بودند. این بازنشستگان که دست نوشته هایی را در دست داشتند پس از ساعتی مواجه با پلیس امنیت شده که آنان را به پایان دادن به تجمع فرا می خواند. بازنشستگان گفتند: «تا پاسخگو نبودن هیات مدیره نسبت به تعلل در مورد عدم اجرای ۲۵ درصد همسان سازی سال ۱۳۹۹، بیمه تکمیلی ناکارآمد، اعتراض نکردن کانون به فروش بانک رفاه کارگران» تجمع را ادامه خواهند داد. آقای مجیدی رییس کانون بازنشستگان تهران که از وجود پلیس امنیت احساس امنیت می کرد به میان بازنشستگان آمده و از آنان می خواست که صبر کنند که بازنشستگان گفتند: «شما اول بگو در این سه ماهه اخیر چه کرده اید که ما صبر کنیم.» یکی از اعضای پلیس هم به بازنشستگان توصیه کرد که صبر پیشه کنند. بازنشستگان گفتند: «سرگرد با صبر، قابلمه ما پر نمی شود باید کاری کرد. این افراد به اصطلاح نماینده قرار بوده به وظایفشان عمل کنند که نکردند و ما را مجبور کرده اند که اینجا بیاییم. سایت کانون که از پول ما درست شده خاموش است چرا؟ چرا کارهای انجام شده خود را برای اطلاع رسانی در سایت نمی گذارند؟ پس معلوم است که اصلان کاری نمی کنند که

بخواهند اطلاع رسانی کنند» بانوی بازنشسته ای به مجیدی گفت: «خودت را معرفی کن تا ما تو را بشناسیم چرا از دادن اسم خود واهمه داری؟»

در نهایت پلیس امنیت شماره تلفن شماری از بازنشستگان را گرفت تا با هماهنگی کانون با بازنشستگان در خصوص خواسته هایشان جلسه ای را داشته باشند. آقای مجیدی رییس هیات مدیره کانون گفت: «منتظر تلفن ما باشید»

۳- پرچم جنبش در اهتزاز است!

در گزارش قبلی «یکشنبه های اعتراض» اعلام کرده بودیم که «پلیس امنیت شماره تلفن شماری از بازنشستگان را گرفت تا با هماهنگی کانون با بازنشستگان در خصوص خواسته هایشان جلسه ای را داشته باشند. آقای مجیدی رییس هیات مدیره کانون گفت: «منتظر تلفن ما باشید» در روز سه شنبه با تماس آقای مجیدی رییس کانون بازنشستگان تهران ۴ نفر از کنشگران بازنشستگی به جلسه ای در کانون برای روز چهارشنبه دعوت شدند. در این جلسه که آقایان مجیدی و دهقان کیا و یک نفر از پلیس امنیت حضور داشتند خواسته های بازنشستگان از جمله همسان سازی های ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، و ۱۴۰۱ و چرایی عدم برگزاری مجمع عمومی فوق العاده که می بایست در آخر آذرماه برای تغییر اساسنامه صورت می گرفت و همچنین عیدی بازنشستگان مطابق شاغلین دو ماه حقوق و اینکه در این چند مدت شما چه کرده اید مطرح شد. ابتدا پلیس امنیت به بازنشستگان گفت که: «ما این تجمع را تحمل نخواهیم کرد و شما هم حق تجمع ندارید» و در جواب شنید که: «تا زمانی که خواسته های ما عملی نشود ما ول کن یقه هیات مدیره کانون نخواهیم بود و در ضمن اینجا خانه ماست. اموال ما را مانند بانک رفاه را بفروشد و ما خاموش بنشینیم؟» از سوی دیگر آقای مجیدی گفت که: «آقای اسدی رییس کانون عالی به ما گفته بازنشستگان مستقل در اطلاعیه های خود شما را بی عرضه خطاب می کنند و این کار درستی نیست چون ما پیگیر کارها هستیم» جواب شنید: «که پیگیر هستید اما نتیجه اش چیست؟ جز بی حقوقی و هزار درد بی درمان دیگر اگر بی عرضه نیستید چه هستید؟» آقای دهقان کیا گفتند: «ما نمی توانیم بیشتر از این فعالیت کنیم، بفرمایید شما جای من بنشینید» پاسخ شنید: «اگر می خواستید جای شما بنشینیم در انتخابات اینقدر

تقلب نمی کردید» آقای مجیدی در جواب بازنشستگان گفت: «شما می خواهید ادای جلیقه زردهای فرانسه را در بیاورید و یکشنبه های اعتراض اعلام کردید» که پاسخ شنید: «یاد گرفتن از کارگران دیگر عیب نیست» در این جلسه باز هم آقایان از پهلوانی های خود در دیدار با نمایندگان مجلس و وزارت کار گفتند که هنوز هیچ نتیجه ای گرفته نشده است. بازنشستگان گفتند: «اگر شما واقعن کار می کنید چرا اینها را در سایت کانون برای اطلاع رسانی نمی گذارید که همه مطلع شوند شما از حقوق ما برای سایت هزینه می کنید ولی سایت به روز نیست» که آقای دهقان کیا گفت: «درست می گوئید و ما اشتباه کردیم و تا دوشنبه سایت کانون راه خواهد افتاد»

آقای مجیدی اینقدر بی اطلاع هستند و یا خود را به تجاهل می زنند که به بازنشستگان می گویند: «اینکه می گوئید ما باید مجمع عمومی فوق العاده بگذاریم برای تغییر اساسنامه و یا شمار هیات مدیره باید اضافه شود از کجا نشأت گرفته است» در صورتی که ابلاغیه آقای نژاد موسوی رئیس تشکلات کارگری کارفرمایی وزارت کار به تاریخ ۱۵ شهریورماه ۱۴۰۱ که به کانون ها ابلاغ شده را نمی خواهند اجرایی کنند چرا که می دانند با هر انتخاباتی امکان رای نیاوردن باند موجود هست. **دوستان بازنشسته!**

هیات مدیره های کانون ها چه شهرستان و چه استانی و چه عالی سالا هست نظاره گر نابود کردن بازنشستگان هستند از حذف ۱۰۰ قلم دارو از درمان بازنشستگان تا بیمه های تکمیلی بی خاصیت تا نگرفتن همسان سازی ها. شما بگوئید به اینها باید قهرمان بگوئیم یا بی عرضه؟

۴- اعتراضات بازنشستگان ادامه خواهد داشت!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۶ دیماه جمعی از بازنشستگان مستقل که برای پیگیری خواسته های خود به کانون بازنشستگان تهران رفته بودند با آقای علی دهقان کیا روبرو شدند و گفتگوهایی بین معترضین و ایشان در گرفت.

دهقان کیا در صحبت های خود اعلام کرد که کارهای بسیاری انجام شده است اما توان ما از این بیشتر نیست در ضمن ۶۷ درصد بانک رفاه به مالکیت دولت در آمده است و از این به بعد نه تنها سودهای حاصل از درآمد این بانک به دولت تعلق خواهد گرفت بلکه سازمان تامین اجتماعی هم دیگر نمی تواند برای معوقاتش از بانک رفاه درخواست کمک داشته باشد. در مورد برگزاری جلسات عمومی در سالن کانون هر ماه یک بار نیز، اعلام کرد چنین کاری فعلن مقدور نیست. از بازنشستگان مستقل درخواست داشت تا در فضای مجازی به هیات مدیره «بی عرضه» نگویند چون بالاخره نماینده بازنشستگان در مذاکرات هستند و شان آنان را پایین می آورد. ایشان اعلام کردند که دولت در خصوص اجرای ۳۸ درصد افزایش مستمری های سایر سطوح با این آقایان شرط کرده است که بعد از گرفتن ۳۸ درصد حق پیگیری گرفتن همسان سازی و بانک رفاه و سایر مسایل بازنشستگان را نباید داشته باشند.

بازنشستگان پرسیدند که چرا سایت کانون را به روزرسانی نمی کنید که بازنشستگان مطلع شوند. چرا پنهان کاری می کنید و جوابیه های وزارت کار و دولت را به درخواست های بازنشستگان در سایت نمی گذارید تا معلوم شود شما چکار می کنید. در ضمن شما تخلفات بیشماری دارید شما فکر می کنید که ما انتخابات ندیده هستیم؟ شما چرا در انتخابات بیلان مالی و بیلان کاری را اعلام نکردید؟ چرا باید اتاق بازرگانی در مورد قانون کار جلسه بگذارد و شما سکوت کنید؟ شما و دولت می گوئید شستا و سازمان تامین اجتماعی ورشکسته است مدیران بازنشسته گروه ما می توانند این کارخانه های زیان ده را مدیریت کنند و به سوددهی برسانند بعد از سودرسانی شما به این مدیران حقوق بدهید اگر هم ضرری دادند از حقوق بازنشستگی شان ضرر را کم کنید. درثانی تصور ما از نماینده بازنشستگان این است تا به رسیدن خواسته ها، رختخوابش را پشت در مجلس بیندازد. این پیگیری هایی که شما می کنید تا زمانی که به نتیجه نرسد مثال کارمندی است که فقط برای گذاران وقتش به اداره می آید.

زندگی

ما مرگ را

شکست خواهیم داد

وقتی زندگی

هنوز تمام

حرف های مان را

گوش نکرده است

سیدعلی صالحی

چرا دانمارک شادترین کشور جهان است؟

❖ حداقل حقوق کار: ساعتی معادل ۲۰ دلار

❖ فقط ۳۳ ساعت کار در هفته ❖ تحصیل دانشگاه: رایگان

❖ نگهداری کودکان: رایگان ❖ بیمه کامل شهروندان: رایگان

رخداد، کوششی جمعی در زمینه ی سیاسی

“اما همیشه یک ساختار حاکم وجود دارد که در مقابل رخداد و هر آن چیز طبعاً تازه ای که رخداد مطرح می کند_ این که ناممکن، ممکن بشود_ می ایستد ”(فلسفه و رخداد/آلن بدیو/ترجمه علی فردوسی)

تحولات اجتماعی این روزها ما را به بهره برداری از نظریه ی رخداد نزدیکتر کرده است. رخداد به شکلی ساده برای امروز ما چنین کاربرد دارد که ظاهراً همواره طبقه ی حاکم از رخدادها و سانحه ها و اتفاقاتی که در پیرامونش اتفاق می افتد حداکثر بهره را می برد؛ مثلاً کشته شدن یک ژنرال توسط ابرقدرت، یا ذبح شهیدی در حرم یا ... این وقایع یا رخدادها محملی می شوند برای برساختن فرصتی در تثبیت قدرت حاکم!

ولی این رخدادها برای ما طبقات فرودست و منفصل از ساختار حاکمیت، شکل کاملاً برعکسی به خود می گیرد. به این ترتیب که مثلاً با گران شدن بنزین، جرقه ی مطالبات صنفی، ماجرای مرگی در گشت ارشاد و ... ” امکاتی که نامرئی یا حتا نا اندیشیدنی بود را آشکار می کند. ” (همان منبع). فرصتی برای طبقات فرودست مهیا می شود تا درست برعکس طبقه ی حاکم، شکل جدیدی از اعتراض به سیستم و حتا “مسدود کردن” روند هیات حاکم را شکل دهند.

“رخداد امکاتی را خلق می کند؛ اما باید کوششی در کار باشد (کوششی جمعی در زمینه ی سیاسی، کوششی فردی در مورد آفرینش هنری) ... ” (همان منبع)

این کوشش سیاسی و عمل اجتماعی پیروش، یک ویژگی منحصر به فرد دیگر را در درون خود دارد. کوشش اخیر می بایست سیستم را “مسدود کند” (obstruct) ”یا به اصطلاح چوب لای چرخ سیستم بگذارد. شکل این مبارزه را توده مشخص می کند و این گونه که در حال تجربه شدن است، گهگاه از مرز انسداد هم عبور کرده و مبارزه ای تماماً انقلابی را شکل می دهد، از خیابان تا پشت بام و از تحصن تا اعتصاب! ...

بدین ترتیب پیشنهاد نظریه ی اخیر روشن است، ارجاع به روش های رادیکال برای ایجاد انسداد و نیز استفاده ی هوشمندانه از رخدادها.

ش.ص.زاهدی ۲۰ دیماه ۱۴۰۱ عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

وزیر اقتصاد علیه بازنشستگان!

در همه دولت ها کمک به بازنشستگان یک امر بدیهی است اما در کشور ما همه چیز برعکس است. وزیر اقتصاد که از پس گرانی بر نمی آید و هر روز کالایی با گران تر شدنش به مدیریت این آقا دهن کجی می کند مدتی است به جای وظیفه اصلی اش یا به فکر نابودی قانون کار است و یا روزی در مورد کاهش حداقل دستمزد نقشه می کشد و با کارفرمایان سودجو جلسه می گذارد و یا تصمیم دارد سن بازنشستگی را به ۶۵ سال برساند. در آخرین شاهکارش هم که در دیدار با نمایندگان قانون عالی بازنشستگان در تاریخ ۱۹ دیماه صورت گرفت از کانون های بازنشستگی تامین اجتماعی مطالبه مالیات کرده است و حق عضویت های اعضای کانون ها را درآمد به حساب آورده و می خواهد بخشی از پول بازنشستگان را هم به جیب دولت بریزد. دولت محرومین دست در جیب بازنشستگان دارد و این را وزیر اقتصاد برای خود یک وظیفه می داند تا سیاست های خانه خراب کن ننویسند را اجرایی کند.

یکی از سیاست های ننویسند های سیاه نشان دادن بازنشستگان و کارگران با درهم کوبیدن تشکل های آنان است. گرفتن ۲۰ درصد مالیات از کانون ها به جز ضعیف کردن کانون ها و در نهایت بی پشتوانه کردن بازنشستگان از یک تشکل می باشد. وزیر اقتصاد گوش به فرمان سیاست های ننویسند های خواهد زحمتکشان هر روز فقیرتر شوند و گرنه تاکنون می توانست جلوی مافیای بازی را در عرصه اقتصاد بگیرد تا مردم هر روزه نگران گران تر شدن مایحتاج روزمره خود نباشند. خاندوزی به جای مالیات گرفتن از ثروتمندان و مافیای دست در جیب بازنشستگان کرده است.

وقتی ما می گوئیم چه هیات مدیره کانون عالی و چه کانون های استانی و شهری بی عرضه هستند به آقایان بر می خورد. چرا در مورد چنین موضوع مهمی تاکنون سکوت کرده و به بازنشستگان حرفی نزده اید؟ و بدتر از آن چرا تاکنون هیچ اقدامی در مورد رد این مالیات انجام نداده اید و حالا که خطریه برایتان آمده است به سراغ وزیر رفته اید و او نیز دست رد به سینه شما زده است؟

متأسفانه هیات مدیره های بی لیاقت نه تنها زندگی بازنشستگان را به مخاطره انداخته اند بلکه با بی عرضگی شان پولهای ما را هم اینگونه به باد فنا می دهند باید جلوی این کانون های بی عرضه ایستاد.

راستی دولت و وزیر اقتصادش در خدمت چه کسانی هستند بی تردید در خدمت محرومان نیستند.

مصاحبه مازیار گیلانی‌نژاد با خبرگزاری کارگری ایلنا: هشدار نسبت به افزایش حوادث کار در ماه‌های اخیر/ چرا باید نشتی گاز منجر به مرگ دو کارگر شود؟

مازیار گیلانی‌نژاد (فعال کارگری) در گفتگو با خبرنگار ایلنا، با اشاره به افزایش نرخ حوادث کار منجر به فوت در پاییز امسال، به مسئولیت سنگین ادارات کار در این زمینه اشاره می‌کند و می‌گوید: بیست و چهارم آذر ماه ۲ کارگر شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی پترو تات ماهان به دلیل گاز گرفتگی در مخزن حلال نفتی در بوبین زهرای قزوین جان باخته‌اند. این حادثه در حالی رخ داد که نشتی گازهای اسیدی در مخزن فوق عامل اصلی مرگ کارگران بود. آیا نمی‌شد پیشتر از این نشتی جلوگیری کرد یا به کارفرما تذکر داد؟

به گفته وی، سودجویی کارفرمایان در خصوص عدم رعایت استانداردهای ایمنی و چشم پوشی بخش نظارتی وزارت کار، همواره مورد انتقاد کارگران و فعالان کارگری بوده است.

گیلانی‌نژاد اضافه می‌کند: دلیل اینکه چرا کارفرمایان در خصوص هزینه نمودن برای ایمنی تعلل می‌کنند، مشخص است: سود و سود هرچه بیشتر. بدیهی‌ست که کارفرمایان به دنبال سودآفرینی هرچه بیشتر هستند و در شرایطی که تامین تجهیزات ایمنی به نسبت سابق گران‌تر شده است، کمتر از قبل برای ایمنی هزینه می‌کنند اما اینکه چرا وزارت کار به وظایف خود عمل نمی‌کند و بازرسان کار بیشتر از قبل، سختگیری نمی‌کنند، تعجب‌برانگیز است؛ چرا اختیار جان کارگران به دست سودجویی کارفرمایان افتاده است؟

این فعال کارگری یک پرسش اساسی مطرح می‌کند: چرا بازرسان کار را به محل نمی‌فرستند؛ چه مشکلی وجود دارد که ما هر هفته و هر ماه شاهد مرگ کارگران در کارگاه‌های صنعتی کشور هستیم؛ آیا نمی‌شد از نشتی گاز و مرگ دو کارگر زحمتکش جلوگیری کرد؟

مافیای واردات بر علیه تولید!

رئیس انجمن صنفی حمل و نقل ریلی: «سفرارش خرید واگن مسافربری از چین و اروپا انجام شده است» خبرگزاری ایلنا ۳۰ آذر

این خرید ها در حالی انجام گرفته است که واگن سازی های تهران و اراک در بیکاری بسر می برند و هر ساله بخشی از کارگران خود را از دست می دهند . مافیای خیانتکار لانه کرده در دولت برای آنکه صنعت ایران را نابود کند دست به هر کاری می زند از ورشکسته کردن تامین اجتماعی با غارت منابع آن تا خشونت ورزی در خیابان های شهر و یا واردات خودرو و واگن و سایر محصولات.

نزدیک به ۱۲۰۰ واگن قطار در ایران در حر کت اند که هنوز به ۳۰۰ واگن اضافه نیازمندیم و باید تهیه شود و ۴۰۰ واگن دیگر هم نیاز به تعمیرات اساسی و یا خارج شدن از چرخه خدمات دهی هستند . برای ۷۰۰ واگن ذکر شده نه تنها سه شیفت کار کارگران کارگران واگن سازی اراک و تهران برای ۲ سال نیاز است بلکه این کارخانه ها باید دست به استخدام کارگر ورق کار، جوشکار، برق کار، مونتاژ هم بزنند که باز هم برای تهیه و بازسازی و ساخت این ۷۰۰ واگن کافی نیست و باید این کارخانه ها توسعه انسانی و ماشین آلاتی هم داشته باشند که حداقل به ۲۰۰۰ کارگر نیاز است . این یک بخش از موضوع است موضوع دیگر این است که به جای اینکه ورق های تولیدی ذوب آهن با قیمت پایین به کشورهای دیگر صادر شود در همین کشور ما می تواند به واگن تبدیل شود.

پرسش اینجاست چرا کارگر ایرانی باید بیکار بماند و صنعت واگن سازی تعطیل شود ولی مافیای لانه کرده در دولت دست از واردات صنعتی که می توانیم خود تولید کنیم، بر نمی دارد؟

خط فقر و حداقل حقوق کارگران!



خط فقر در حالی توسط وزارت کار ۷ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان در کل کشور اعلام می شود که کارگران با حداقل حقوق ۵ میلیون ۴۰۰ هزار تومانی گذران می کنند و وزارت کار از برگزاری جلسات تعیین مزد تاکنون طفره رفته است و دو جلسه ای هم که برگزار شده است به بحث انحرافی مزد منطقه ای گذشته است. درخواست های مکرر نمایندگان کارگری برای گفتگو در مورد حداقل حقوق با افزایش گرانی ها در تابستان به دستور دولت، تا به حال با سکوت معنادار وزارت کار روبرو گشته است. چه وزیر کار قبلی و چه سرپرست موقت و چه وزیر کنونی اعتقادی به بهبود وضعیت معیشتی زحمتکشان ندارند، که اگر اعتقاد داشتند حق مسکن کارگران را در همان ابتدای سال امضا می کردند نه بعد از گذشت ۷ ماه و افزایش ۳۸ درصدی مستمری بازنشستگان را بعد از تظاهرات های بسیار در شهریور ماه پذیرفتند.

دولت کنونی و وزیران کارش از سوی مافیای سرمایه داری در حال مشاوره گرفتن هستند تا با خشنود کردن این مافیا در پست خود بمانند. وزیر بازرگانی

که عرضه مدیریت گرانی و قیمت ها را ندارد در اتاق بازرگانش مرتب با مافیا در مورد معیشت طبقه کارگر در حال رایزنی هستند. مافیایی چون موسسه نذر و اشتغال اصفهان که خواهان آزاد گذاشتن تعیین مزد توسط کارگران و کارفرما هستند و حداقل حقوق و بیمه های تامین اجتماعی را نشات گرفته از مرام کمونیستی می داند، خواهان آزاد بودن کارگر در تعیین دستمزد هستند. مدیران موسسه نذر و اشتغال بارها گفته اند که بسیاری از کارگران خواهان کار هستند با دستمزدی کمتر از مزد مصوب وزارت کار و همین باعث شده که رشد اشتغال زایی کند شود. از نظر این مافیا کارگر را باید آزاد گذاشت تا خود با کارفرمایش نشست و تعیین مزد کند اما زمانی که کارگر می خواهد از آزادی اعتصاب هم استفاده کند مافیا با پلیس ضد شورش به سر و قش می آیند .

البته این تعیین خط فقر از سوی وزارت کار است و گرنه اقتصاددانانی چون دکتر راغفر خط فقر را در حدود ۲۰ میلیون تومان می دانند. طبقه کارگر برای گذران زندگی انسانی نه تنها به حداقلی احتیاج دارد که بتواند با ۸ ساعت کار زندگی در خور انسان داشته باشد بلکه از آموزش رایگان، درمان رایگان، و مسکن ارزان قیمت نیز برخوردار باشد.



نتایج عمل به سیاست های نئولیبرالیسم!

دولت های بعد از جنگ سیاست های صندوق بین المللی پول را در کشور اجرایی کردند. گرانی، راه اندازی قمارخانه بورس، تعطیلی ۴۰ درصدی کارخانه های صنعتی، نابودی ۶۰ درصد زمین های کشاورزی و باغات، فروپاشی ۷۰ درصدی دامداری و به زیر فقر رفتن خانواده های حقوق بگیر بخشی از این سیاست هاست.

سنگر سندیکایی زحمتکشان نه تنها سرکوب شد بلکه بعد از جنگ حقوق اجتماعی و صنفی خود را از جمله اعتصاب، قراردادهای رسمی کار، آموزش رایگان، درمان رایگان، داشتن مسکن مناسب، را نیز از دست طبقه کارگر خارج کردند. امروز نئولیبرالیسم افسار گسیخته ۹۹ درصد قراردادهای رسمی کار را نابود کرده و قراردادهای سفید امضا و یا یک ماهه را به زحمتکشان تحمیل کردند. از سال ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۰ سبد هزینه یک خانواده ۴ نفره کارگری ۴۲۰۰ برابر گران شده در حالی که دستمزدها فقط ۱۷۹۵ بار رشد داشته است. این عقب افتادن دستمزد از گرانی ها از طریق دادن آما دروغین تورم در شورای عالی کار و تمکین نمایندگان غیر واقعی و برده وار اتفاق افتاد. فقط طی سالهای ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ یک سوم جمعیت ایران به زیر فقر مطلق رانده شدند. اینها نتایج عمل به سیاست های اقتصادی نئولیبرالیسم در ایران است. این در حالی است که تعداد ثروتمندان کشور از بعد از انقلاب ۲۰۰ برابر شده و ثرویشان ۷ برابر بودجه کشور شده است. این تازه آن بخش از دارایی های است که می توان رد شدن را گرفت و گرنه مبلغ غیر رسمی ثروت مافیا از این هم بیشتر است.

برای باز پس گیری تمامی دستاوردهای پدرانمان، زحمتکشان راهی جز پیکار و اسلحه اعتصاب ندارند. باید دور سندیکا‌های کارگری جمع شد و در هر واحد تولیدی سندیکا را راه اندازی کرد. اگر به آینده فرزندانمان علاقه مند هستیم باید از همین امروز تلاش مان را آغاز کنیم.



ونسان ونگوگ در هیچ دانشگاهی آموزش ندید. کشیش بود در جوانی. اما میزان انساندوستی اش از معیارهای کلیسایی خیلی بیشتر بود. کلیسا را رها کرد. ۲ ماه دوره طراحی گذراند. فقط ۲ ماه. ۳۷ سال عمر کرد. و فقط ۹ سال دوره کاری اش بود. اما با ایمان خلل ناپذیر کار کرد. که بعد از صدسال و اندی هنوز نامش بر زبان هاست. و دانشگاه‌هایی که او هیچگاه تجربه نکرد سالیان زیادی است سعی در تحلیل آثار او دارند. ونسان ونگوگ، شاید از نمونه هنرمندانی باشد که تقدس را به هنر هدیه دادند.... نه تقدسی که کلیسا می گفت. بلکه تقدسی از شفقت انسانی در نگاه به انسان. به درخت. به شب. به تنهایی. و به هستی...

از یادداشت های احمد رضا دالوند



"زندگی یعنی تلاش برای بهتر شدن روابط اجتماعی و انسانی؛ زندگی یعنی مبارزه در راه زدودن رنج و اندوه هزاران ساله آدمی؛ زندگی یعنی از بین بردن آنچه شایسته نام انسان نیست و رها کردن انسان از قید بردگی و اسارت؛ زندگی، یعنی تلاش برای حذف کارهای سیاهی از نوع کار در دالان‌های خفه‌ی معادن طلا و ذغال سنگ و سپردن آنها به دست روبات‌ها؛ زندگی یعنی کوتاه کردن فاصله‌ها، تسلط انسان بر هوا و دریا و سیاره‌ها و حتا ستارگان دوردست؛ زندگی یعنی تلاش برای شکستن طلسم ناتوانائی‌های انسان، فرو ریختن حصارها و تنگناهای انسان امروزی. . . و مگر این وظیفه بزرگ را می‌توان بدون شناخت قانون‌های حاکم بر طبیعت و جامعه انجام داد؟ و مگر بدون ریاضیات می‌توان حتا يك گام برای رسیدن به این شناخت برداشت؟"

پرویز شهریاری

پرویز شهریاری ریاضی‌دان، مترجم، نویسنده، معلم ریاضیات، روزنامه‌نگار، فعال سیاسی و از چهره‌های ماندگار ایران در زمینه دانش و آموزش بود. این شخصیت برجسته در عرصه علم و آموزش و فرهنگ و سیاست تاریخ معاصر ایران، بیش از چهارصد جلد کتاب در زمینه‌های ریاضیات، تاریخ، فلسفه و ادبیات تألیف و ترجمه کرده و نیز بیش از هزار عنوان مقاله از او در نشریات مختلف به چاپ رسیده‌است.

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

یکی تعریف می‌کرد: وقتی از نماز جماعت صبح بر می‌گشتم جماعتی را دیدم که بزور قصد سوار کردن گاو نری را در ماشین داشتند.

گاو مقاومت می‌کرد و حاضر نبود سوار ماشین بشود، من رفتم دستی به پیشانی گاو کشیدم؛

گاو مطیع شد و سوار شد. من مغرور شدم و پیش خودم گفتم: « این از برکت نماز صبح است.»

وقتی رسیدم خانه، دیدم مادرم گریه و زاری می‌کند، علت را که جویا شدم گفتم: «گاو مان را دزدیده اند!»

گاو مرا شناخته بود ... ولی من او را نشناختم!

موضوع انشاء: یلدای خود را چگونه گذرانید؟

با سلام خدمت آموزگار خوب و دوستان عزیزم . دیشب یلدا به ما خیلی خوش گذشت . دور هم بودیم و تا تونستیم خوریدیم و خندیدیم ، فال هم گرفتیم . البته پدرم میگفت شایعه شده که هندوانه ها را یه کسایی ارزون خریدن و انبار کردن که گرون بفروشن، به همین دلیل من نخریدم تا با مفاسد اقتصادی مبارزه کنم.

مادرم هم گفت: خوب کاری کردی و به من گفت عکس يك هندوانه بکش بگذاریم تو سفره یلدا، منم کشیدم خوشگل شد. مامان گفت: تو روزنامه خوندم که دونه های انار دل درد میاره، برای همین نخریدم .

مادر من خیلی به سلامتی خانواده اهمیت میدهد. خواهرم عکس یه انار رو از تو روزنامه کند گذاشت تو سفره، یه انار بزرگ که دونه هاش سیاه بود.

مامان گفت: شب نمیشه آجیل خورد سر دلتون سنگین میشه و خوابهای بد می بینید برای همین فقط نخودچی و کشمش خریدم که خیلی هم خاصیت دارد. مادرم خیلی مهربان است.

مادرم گفت: رفتم میوه فروشی که میوه بخرم خیلی شلوغ بود منصرف شدم. مامان پرتقال و سیبی رو که داشتیم مثل گل درست کرده بود و توی بشقاب چیده بود خیلی قشنگ شده بود دلمون نمیامد بخوریم ولی مامان گفت: بخورین که نمونه میکروب میگیره، مامانم خیلی با سلیقه هست.

بابا آخر شب فال حافظ گرفت،

همش یادم نیست ولی اولش میگفت:

مژده ای دل که مسیحا نفسی میاید.

خلاصه یلدای خوبی بود، چون ما دل درد نگرفتیم، خوابهای بد هم ندیدیم، تازه با مفاسد اقتصادی هم مبارزه کردیم.

این بود انشای من امیدوارم خوشتان آمده باشد.

معلم گفت: آفرین پسرم خوب بود اینم یه نمره ۲۰

دانش آموزی از ته کلاس گفت: آقا اجازه سرما خوردین؟ معلم گفت:

چطور؟ شاگرد گفت آخه آقا اجازه... از چشمتون داره اشك میاد.

معلم گفت: آره یادم نبود که سرما خوردم...



با این سینک شستشوی توالت های ژاپنی؛ افراد دستان خود را می شویند و از آب آن مجدداً برای شستشوی توالت استفاده می شود. این استفاده مجدد از آب توسط مصرف کنندگان موجب صرفه جویی روزانه میلیون‌ها متر مکعب آب تمیز می‌شود. ارزش این آب از آنجا پررنگ تر است که بدانیم در جهان بیش از ۲ میلیارد نفر به آب سالم بهداشتی یا دسترسی ندارند یا به سختی دسترسی دارند. البته ژاپن کمبود عرضه آب شیرین ندارد اما این چنین در بخش مصرف سرمایه گذاری کرده و برای آب سالم بهداشتی ارزش قائل است. در ایران که با انواع بحران آب مواجه است هنوز تصفیه فاضلاب در ابتدایی ترین حالت ممکن مانده و سرمایه گذاری های عجیب همچنان بر روی سدسازی و انتقال آب است. همچنان آب یک کالای یک بار مصرف است که با عرضه مداوم از سوی دولت این پیام به مصرف کننده حتی در کویر می‌دهد که مشکلی نیست؛ آب مصرف کنید پول می‌دهیم سدسازان برایتان سد بسازند ، آب منتقل کنند و مهم هم نیست آینده چه بر سر اکوسیستم کشور بیاید...

شهرت ظرفیت می خواهد!

یکی از بهترین دروازه بانان فوتبال جهان دروازه بان تیم ملی اسپانیا که در رئال مادرید صاحب رکوردهای عجیب و غریبی شده، چندی قبل کاری کرد که قلب همه انسان های عاطفی را لرزاند. ظاهرن «ایکر کاسیاس» همراه خانواده اش برای خوردن غذا به یک رستوران رفته بود که در آنجا با یک نوجوان ۱۳ ساله که دچار نقص عضو بوده روبه رو می شود. پسرک اوتیسم به محض دیدن دروازه بان افسانه ای اسپانیا به سراغ او می رود و می گوید: «آقای کاسیاس ... در روز بازی با پرتغال، تو به این خاطر موفق شدی پنالتی ها را دریافت کنی که من و بقیه دوستانم در مدرسه بچه های استثنایی، برایت دعا کردیم»

ایکر کاسیاس که به سختی جلوی اشکش را می گیرد از پسرک تشکر می کند و نام و آدرس مدرسه را از او می گیرد و فردا ظهر حوالی ظهر، ناگهان «کاسیاس بزرگ» وارد مدرسه مذکور می شود و در میان بهت و حیرت مسئولان مدرسه و شادی زاید الوصف شاگردان آن مدرسه به بچه ها می گوید: «من آدم اینجا تا برای دعاهایی که در حقم کردین که پنالتی را بگیرم، شخصاً از شما تشکر کنم» بچه های مدرسه که از خوشحالی سر از پا نمی شناختند، اطراف «ایکر» حلقه می زنند و با او عکس می اندازند و امضا می گیرند که ناگهان یکی از بچه ها به او می گوید: «آقای کاسیاس تو میتونی پنالتی مرا هم بگیری؟؟»

ایکر نیز بلافاصله از داخل ماشینش لباس های تمرین را آورده و برتن می کند و همراه بچه ها به زمین چمن مدرسه می روند و با هماهنگی مسئولان مدرسه به بچه ها این فرصت را می دهد که هر کدام به او یک پنالتی بزنند. ایکر کاسیاس ۲ ساعت و نیم در آن مدرسه می ماند تا تک تک بچه های بیمار آن مدرسه به او پنالتی بزنند

* آری شهرت ظرفیت می خواهد*

خوب است آدمی جوری زندگی کند که آمدنش چیزی به این دنیا اضافه کند و رفتنش چیزی از آن کم! حضور آدمی باید وزنی در این دنیا داشته باشد باید که جای پایش در این دنیا بماند. آدم خوب است که آدم بماند و آدم تر از دنیا برود. نیامده ایم تا جمع کنیم، آمده ایم تا ببخشیم. آمده ایم تا عشق را؛ ایمان را؛ دوستی را؛ با دیگران قسمت کنیم و غنی برویم. آمده ایم تا جای خالی را پر کنیم که فقط و فقط با وجود ما پر میشود و بس! بی حضور ما نمایش زندگی چیزی کم داشت. آمده ایم تا بازیگر خوب صحنه ی زندگی خود باشیم.

درصد افزایش	دی ۱۴۰۱	دی ۱۴۰۰	
۵۲/۱۶	۲۳۲۸۰۰	۱۵۳۰۰۰	سردست گوسفندی 
۶۱/۸۰	۲۶۰۵۰۰	۱۶۱۰۰۰	سردست گوساله 
۱۵۱/۲۰	۸۳۵۰۰	۴۱۵۰۰	ران مرغ (۲ کیلو) 
۶۱/۹۹	۹۴۶۰۰	۵۸۴۰۰	سینه مرغ 
۴۱/۶۷	۸۵۰۰۰	۶۰۰۰۰	تخم مرغ (شانه ۳۰ عددی) 

از پارسال تا امسال در تهر بار تهران چه گذشت؟

هر کس موردی مشکوک دید فوری به ۱۱۰ زنگ بزنند

الو الو ۱۱۰ بلی بفرمایید
جناب اینجا یک نفر از گرسنگی جان می دهد
خیلی ها حتا پول نان ندارند
چند روزه می رویم میدان کار نیست دست خالی به خانواده برمی گردیم
جناب در خانه مریض دارم پول ندارم به دکتر ببرم
وووووو
اشتباهی گرفتی آقا اینجا کلانتری است نه بنیاد
کازیم عاشقی

مؤسس اولین آسایشگاه خیریه سالمندان



«آرسن میناسیان» یکی از ارمنی‌های مقیم گیلان بود که تأسیس نخستین داروخانه شبانه روزی و آسایشگاه سالمندان ایران به نام او رقم خورده است. نیکی‌های بی حد او اعتماد عمومی را نسبت به وی افزایش داده و مردم مسلمان رشت، مدتی وی را به عنوان انجمن شهر انتخاب کردند حتی زمزمه شهردار شدن وی نیز بود، ولی آرسن نپذیرفت. مشاهده وضعیت زنان و مردان سالمندی که سرپناهی نداشته و گاه و بیگاه به او مراجعه می‌کردند موجب شد فکر ساختن آسایشگاه سالمندان اول بار توسط آرسن به دکتر حکیم زاده مطرح شود. در آن زمان وقتی هنوز تهران نیز آسایشگاه سالمندان نداشت، شهر رشت با کمک این دو انسان نועدوست، و حمایت‌های آیت اله ضیابری و تاجر معروف چینی چیان صاحب نخستین مرکز خیران آسایشگاه سالمندان و معلولان و بیماران روانی شد که در زمین اهدایی مرحوم استقامت در سلیمان‌داراب رشت بنا شد. آرسن دهها دختر فقیر را با جهیزیه اهدایی خود به خانه بخت فرستاد. وی ثروتمند نبود ولی با متمولان چنان رفتار می‌کرد که خواسته‌های انسانی وی را برآورده می‌کردند.

کمک به کارگران اعتصاب کننده

مردم گیلان زمانی را به یاد می‌آورند که کارگران گونی بافی رشت با خانواده‌های خود برای احقاق حقوق خود در چمن میدان شهرداری رشت اعتصاب غذا

کرده‌اند. اطراف میدان پر بود از پلیس و سرباز و کسی جرأت نزدیک شدن به اعتصاب کنندگان را نداشت. تنها آرسن بود که با زنبیل‌هایی از خرما و نان و پنیر و شیشه‌های شیر به طرف میدان رفت و نه پلیس و نه ماموران ساواک کسی جرأت نکرد مانع آرسن شود. روز اول پلیس ملتسمانه از آرسن خواست که زیاد در بین اعتصاب کنندگان نماند و آرسن در کمال خونسردی گفت: «شکایت مرا پیش استاندار ببر و بگو آرسن برای بچه‌های وسط میدان شیر برده است». میناسیان تا زنده بود، پدر معنوی بسیاری از بی پناهان رشت بود. وقتی در سال ۱۳۵۳ داروخانه کارون را به دیگری واگذار کرد، تمام وقت خود را صرف سالمندان و معلولان رشت کرد.

مردی که در یادها ماند

تعطیلات نوروزی سال ۱۳۵۶ که پایان یافت، خنده بر لبان دوستداران «خاچاطور آرسن میناسیان» یخ بست و ساعت ۱۰ شب ۱۴ فروردین ماه یکی از تلخ‌ترین اتفاقات در تاریخ شهر رشت در آسایشگاه سالمندان رقم خورد. آرسن میناسیان که از مدت‌ها قبل دچار بیماری بود، در حین خدمت به سالمندان به ابدیت پیوست و نام نیک خود را در تاریخ انساندوستی جاودانه کرد. تشییع جنازه وی یکی از پرشکوه‌ترین و شلوغ‌ترین تشییع جنازه‌هایی بود که رشت به خود دیده است. در مراسم او هم شورای خلیفه‌گری ارمنه و هم ارمنه رشت حضور داشتند و هم دسته‌های زنجیر زنی و سینه زنی مسلمانان به یاد یک انساندوست مسیحی در محلات رشت به راه افتاد. همانطور که آرسن مسیحی همواره در مراسم‌های مذهبی دهه عاشورا شرکت می‌کرد، مسلمانان نیز در وداع او اشک ریختند. آرسن در خیل دوستدارانش با دنیا وداع کرد و در حیاط مدرسه «م. آهور دانیان» رشت به خواب ابدی رفت. هم‌اینک نیز بسیاری از دوستداران آرسن پس از سال‌ها از فوت وی به کلیسای رشت می‌روند و به یاد نیکوکاری‌های آرسن خاچاطور میناسیان بر مزارش گل نثار می‌کنند. آرسن رفت ولی داروخانه کارون هنوز زنده است و لبخند معصومانه‌اش در تصویری که در این داروخانه نصب شده نوید می‌دهد که هنوز انسانیت زنده است. خیابان منتهی به آسایشگاه خیریه رشت نیز با نام این نیکوکار نامگذاری شده است.

او پرستار واقعی است!

دیروز بعد از سالها دوباره دیدمش داشت در میان میوه های از رده خارج که میوه فروش به پیاده روی مغازه اش انتقال داده بود و قیمت این میوه ها یک سوم قیمت های داخل مغازه بود دنبال میوه سالم می گشت. به سختی و بدون آشنائیت عبور کردم. سالها پیش در کوچه ما ساکن بودند تمام اهل ساکنین کوچه خانم پرستار را می شناختند و برای او احترام قایل بودند او در رابطه خدمات بیمار به اهالی کوچه بدون چشم داشت کمک می کرد. بانوی توانایی بود به صورت شیفتهی در یکی از بیمارستان تهران با شغل شریف پرستاری شاغل بود. در بعدازظهرهای گرم تابستان و سرد زمستان دختر کوچکش را بغل می گرفت و دست پسر چند ساله اش را نیز گرفته و ساک سنگین لوازم فرزندانش را بدوش می انداخت و با همین وضعیت عرض چندین خیابان و طول چند کوچه را تا رسیدن به ایستگاه اتوبوس می پیمود وقتی به ایستگاه اتوبوس می رسید بقیه بانوان کمک می کردند تا خود با ساک سنگینش و فرزندانش از پله های اتوبوس بالا رود بدین شکل خود را به مسیر سرویس بیمارستان می رساند و بعد از تکرار دوباره پیاده و سوار شدن به سرویس، خود را به بیمارستان محل کارش میرساند کودکانش را به مهد کودک می سپرد و خود به محل کارش می رفت. بیماران را تیمار می کرد، قرص می داد، شربت می خوراند، آمپول می زد، علایم حیاتی بیماران را کنترل می کرد. اگر حال بیماری به وخامت می رفت دکتر را خبر می کرد. حرفهای گزنده و گاه توهین آمیز همراهان بیمار را تحمل میکرد. سی سال بدین شکل فعالیت کرد، حالا بازنشست شده بود و در میان میوه هایی که سازگار ذائقه پولداران نبود دنبال چند میوه می گشت.....

به معلمین میهنم! به آموزگارانم!

به خردمندان خاموشی که دنیای ما را روشن ساختند!

❓ معلم عزیزم، من آخرین انشایم را هم نوشتم!

● معلم کیست و چه وظیفه ای دارد؟

معلم آقای دانایی بود، اوسی سال معلم بود! آقای دانایی هیچ وقت شرمنده ی روزگارش نبود، چون حقوقش آنقدر بود، که برای چشمان کم سویی از جایی وام نگیرد! اوسفره ی رنگینی داشت، پر از نبوده هایی که در خواب هیچ کس هم نبود! اوعصای کهنه و مندرس خود را هیچگاه عوض نکرد، چون به او گفته بودند این کاراسراف است و نکوهیده! کفاش محل کفش های معلم مرا به تمسخر می گرفت، چون چندسال از عمرش را در پای آقای دانایی سپری کرده بود! آقای دانایی هیچ وقت بدون عینک گریه نمی کرد، اشکهای او را به جز رفتگر محل کسی ندیده بود! معلم مرا جور روزگاران غصه داده است، او وقتی می خندد حتما گریه می کند. آقای دانایی همیشه به ما میگفت: بچه ها سعی کنید بفهمید، ولی فهمیدن زیاد چندان خوب هم نیست! مثل من و امثال من می شوی! معلم زندان رفته به چه دردی می خورد! معلمی که ،،خواستارش، دوره کردن رنج روزگار باشد! به چه کاری می آید! آقای دانایی روزی گفته بود: به آینده ای که باورش داری شک نکن! اگر سرت را در حیاط مدرسه شکستند، نگذار دلت در کشاکش روزگار شکسته شود!

واین بود آخرین انشایم. و تا همیشه،،،،، پیشانی بلند همت تمام آموزگاران میهنم را می بوسم!

آرین سندیکالیست

و آن نیم روز پایانی



محمود اعتمادزاده معروف به «به آذین» مترجم، نویسنده و بنیان گذار کانون نویسندگان ایران، در ۹۲ سالگی پیش از ظهر چهارشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۸۵ در بیمارستان آراد تهران درگذشت و روز بعد در میان جمع کوچکی از دوستان و خانواده به خاک سپرده شد؛ اما گویی هنوز همراه با رومن رولان کنار «آنت» زندگی می‌کند؛ آنجا که این زن در سوگ پسرش گفت: «... من زنی هستم که پسری داشت و امیدوار بود که در او به زندگی ادامه دهد. پسر مرد. من پس از او زنده‌ام و یگانه چاره من و چاره او آن است که او در من به زندگی ادامه دهد. من این را با او عهد بسته‌ام. آنکه از پا درآید، دیگری او را تا مقصد خواهد برد. من حق ندارم در خاطرات خود، در اندوه خود، در امید خود دراز بکشم. به پا! این من نیستم، اوست که راه می‌رود. من تتم را به او می‌دهم. ولی در تن من، او که مرده است دورتر از آنچه در زنده بودن می‌رفت راه خواهد رفت.» ... (ص ۱۵۸۸ از رمان جان شیفته نوشته رومن رولان، ترجمه به آذین).

به آذین نه در دنیای داستان‌نویسی که در دنیای ترجمه، تنش را به کلمه‌ها سپرد و حالا در تن کلمات، دورتر از آنچه در زنده بودن می‌رفت، راه خواهد رفت.

به مناسبت سالگرد درگذشت به آذین
هیات تحریریه پیام سندیکا

چرا بخشی از کارگران به مبارزه نمی‌پیوندند؟؟

رنجبران به دلیل موقعیت نامساعد خود که عدم بهره‌مندی از آموزش مناسب، از مبارزه رویگردانند. زورمداران، بشر را در قفس فقر گذاشته و سپس ادعا می‌کنند که این مردم بیش از این لیاقت ندارند. با در هم کوبیدن فقر و نابرابری و جایگزین کردن عدالت اجتماعی فطرت‌ها دگرگون خواهد شد. کسانی که محیط‌آلوده را می‌سازند رنجبران را وادار می‌سازند تا از انسانیت خود درک درستی نداشته باشند. محیط را باید انسانی کرد تا انسان رشد و تعالی یابد.

فراریان از مبارزه و تخطئه‌کنندگان مبارزین و عافیت‌طلبان، همگی به استحکام محیط‌ظالمانه کمک می‌کنند.

کارگران در سندیکاها چنین پرورش می‌یابند!

همه پیشروان سندیکایی می‌دانند که سندیکا مدرسه آموزش دایمی کارگران برای نبرد طبقاتی است. کارگران در سندیکا آموزش می‌بینند که چگونه در گره‌گاه‌های روزمره، حقوق خود را بستانند. سندیکا به کارگرانش آموزش می‌دهد چگونه در گفتگو با کارفرما و دولت همچو یک دیپلمات اهل گفتگو و چانه‌زنی، اما درخواست‌های خود پایدار باقی بمانند. سندیکا به کارگرانش آموزش می‌دهد فقط از اسلحه اعتصاب استفاده نکنند، بلکه با تحلیل شرایط پیش‌رو از همه حربه‌ها و مهارت‌ها برای پیروزی، با کمترین هزینه‌ها استفاده کنند. سندیکا به کارگرانش آموزش می‌دهد باهوش و خلاق و منضبط و ورزیده باشند. سندیکا رهبران کارگری آموزش می‌دهد و می‌پروراند که در موقع لزوم پا از حیطه کار سندیکایی فراتر گذاشته و با استفاده از شوراهای کارگری و کمیته اعتصاب مدیریت تولید و امور کارخانه را بدست بگیرد.

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

تفرقه جامعه را عقب مانده نگه می دارد، هوشیار باشیم!

✻ آنچه جامعه امروز ما را با چالش و آسیب جدی مواجه کرده، تفرقه است، آنقدر که از تفرقه آسیب دیده‌ایم از تحریم آسیب ندیده‌ایم. ما با دیدگاه‌ها و نظرات و سبک‌های زندگی متفاوت «در کنار هم» جامعه را می‌سازیم اما متأسفانه در همه سال‌های گذشته به جای «کنار هم بودن» تمرکزمان را روی تفاوت‌ها متمرکز کرده اند. افتراق و جدایی‌افکنی خوراک دست گروه‌هایی داده که احتمالاً هر کدامشان اهداف جداگانه‌ای را دنبال می‌کنند...

این در حالی است که در شرایط سخت امروز، در کنار هم بودن و اینکه روی نقاط اشتراک مان تکیه کنیم می‌تواند راهگشا باشد و البته اینکه سعی کنیم نقاط افتراق را هم به نتیجه برسانیم، به هر حال ما به دموکراسی معتقد هستیم اگرچه تعریف و معنی دموکراسی مخدوش شده و متأسفانه مورد قبول عده‌ای هم نیست اما مشترکات زیادی داریم که باید روی آنها تکیه کنیم. مشترکات ما بی‌نهایت است. باید نقاط افتراق را هم به نتیجه برسانیم اما برخی همه را شبیه هم و شبیه به خودشان می‌خواهند که این غلط است، جامعه انسانی طیفی رنگارنگ را تشکیل میدهد.

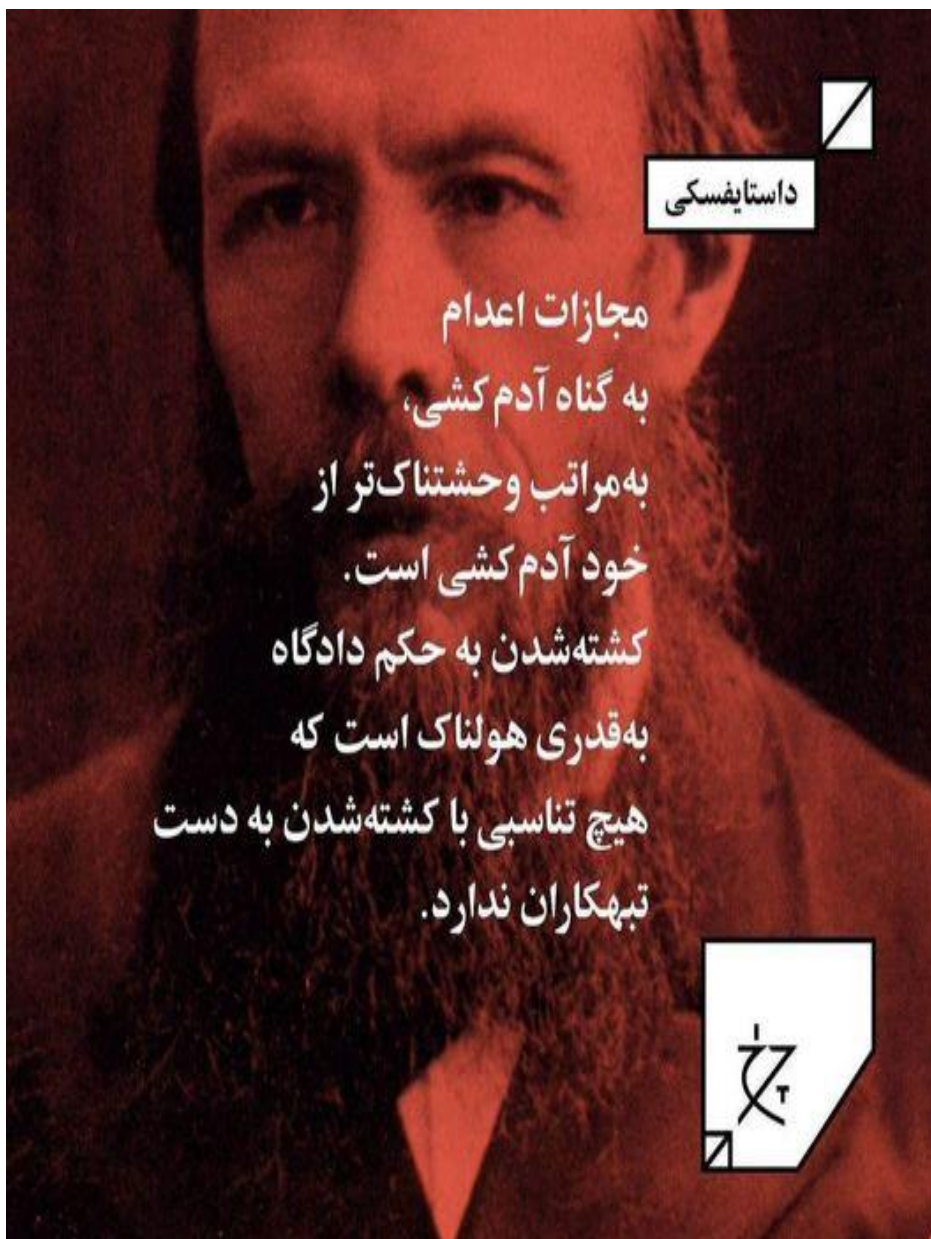
بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

در سرزمین من زن و نفت تاریخ مشترکی دارند،

نفت به استعمار انگلیس درآمد و زن به استعمار عقاید.

در سرزمین من این دو میسوزند ،

تا سرزمینم فقیر و امن بماند.



داستایفسکی

مجازات اعدام
به گناه آدم کشی،
به مراتب وحشتناک‌تر از
خود آدم کشی است.
کشته شدن به حکم دادگاه
به قدری هولناک است که
هیچ تناسبی با کشته شدن به دست
تبهکاران ندارد.

خ



انواع مختلف قتل از نظر برتولت برشت

"قتل انواع گوناگون دارد. می شود با چاقو شکم کسی را پاره کرد، یا نانش را برید، یا بیماریش را علاج نکرد. می توان کسی را در دخمه ای جا داد و یا تا حد مرگ به کار کشید. ممکن است کسانی را هم به خودکشی مجبور کنند، یا به جنگ بفرستند و از این قبیل... فقط بعضی از این انواع قتل در کشور ما ممنوع است!"



در سرزمین من اول زن ها بیدار می شوند،
بعد آفتاب طلوع می کند.

چون آفتاب را زن ها می زایند...

زنان نیمی از جامعه را تشکیل می دهند و
نیمی دیگر رابه دنیا می آورند درود بر الهه
های شجاع سرزمینم